

❖ **منطق؛ علمی است که در پی جلوگیری از خطای در اندیشه است.**

❖ **در منطق می آموزیم چگونه دچار مغالطه یا سفسطه نشویم.**

تصور کنید فردی با خواندن آیه ی (خداوند نور آسمان ها و زمین است « گمان کند که چون» نور با چشم قابل مشاهده است) ، خدا را نیز می توان با چشم دید!

☞ نور دو معنا دارد .یکی معنای نور ظاهری و محسوس است و در منشور تجزیه می شود، و معنای دیگرش نور معنوی است .

☞ در این مثال نور حسی مورد نظر نیست .چون خداوند جسم نیست که با حس بتوان آن را شناخت و با چشم قابل مشاهده نمی باشد .

به این گونه موارد مغالطه ی اشتراک لفظ می گویند.

✓ منطق علمی است که شیوه ی درست اندیشیدن را می آموزد تا بدین ترتیب قادر به تشخیص خطاهای ذهنی باشیم.

✓ مغالطه در کتاب منطق، به معنای هر گونه خطای اندیشه به کار رفته است که ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد.

**علمی که در پی جلوگیری از خطای اندیشه است،
«منطق» نام دارد.**

منطق دانان کوشیده اند با بررسی انواع خطاهای ذهن و دسته بندی آنها، راه های جلوگیری از آنها را نشان دهند.ایشان قواعدی را که باید رعایت کنیم تا دچار خطای فکر یا اصطلاحاً مغالطه و سفسطه نشویم، مشخص کرده اند.

❖ فردی می گفت: اگر پرخوری کنم مریض می شوم؛ و چون من پرخوری نمی کنم، مریض نخواهم شد.

؟ اشکال استدلال وی چیست؟

- ⊞ استدلال کننده توجه نکرده که همه ی مریضی ها از پرخوری نیست .
- ✓ در درس های بعد خواهیم خواند که این مغالطه ی رفع مقدم است.
- آیا کلمه ی (پروانه) در دو عبارت (پروانه دختر من است) و (پروانه پرواز می کند)، به یک معناست؟ اگر کسی از این دو جمله نتیجه بگیرد که (دختر من پرواز می کند)، دچار چه خطایی شده است؟
- ⊞ در این دو جمله پروانه به دو معنی است، پروانه اسم انسان / پروانه اسم حشره و اشتراک لفظی دارند.
- ❖ پس نمی توان نتیجه گرفت دختر من پرواز می کند .
- ⊞ در این استدلال دو مغالطه انجام شده که در درسهای بعدی دوم و هشتم خواهید خواند .
- ⊞ مغالطه اشتراک لفظ و (مغالطه) عدم تکرار حدوسط.
- ✓ آیا نتیجه گیری انجام شده در عبارت مقابل صحیح است؟ آقای م . الف که دیروز در این دادگاه محاکمه شد؛ حتماً متهم به اختلاس است؛ زیرا همه ی افراد متهم به اختلاس را در این دادگاه محاکمه کرده اند
- ⊞ این نتیجه گیری صحیح نمی باشد ، چون ممکن است همه ی افراد متهم به اختلاس را در این دادگاه محاکمه کرده باشند، ولی نه اینکه هر کسی که در این دادگاه محاکمه می شوند، متهم به اختلاس باشند .
- ✓ سعادت چیست؟ چرا با وجود آنکه همگی انسان ها به دنبال سعادت اند، راه های متفاوتی را در پیش می گیرند؟
- ⊞ هر انسانی یک تعریفی از سعادت دارد، اگر انسانها راه های متفاوتی را برای رسیدن به سعادت در پیش می گیرند، به این علت است که در تعریف سعادت و خوشبختی اختلاف نظر دارند .

❖ این سوال اهمیت تعریف را نشان می دهد ، که در منطق درست تعریف

کردن را می آموزیم.

- ✓ فرض کنید قیمت هندوانه کیلویی 800 تومان باشد . با توجه به تصویر ص 2 🖱 بگویید فروشنده برای جلب مشتریان از چه نکته ای استفاده کرده است؟

مغالطه در اثر عوامل روانی:

در تصویر به صورت درشت نوشته شده است: هندوانه ۴۰۰ و به صورت ریز نوشته شده است: نیم کیلو. این کار باعث می شود تا مشتریان در نگاه اول اشتباه کنند و گمان کنند که هندوانه ها زیر قیمت بازار هستند و خودروی خود را متوقف کند.

□ در یونان باستان، استادی که به شاگرد خود شیوه های موفقیت در وکالت را آموزش می داد، با او قرار گذاشت که حق الزحمه خود را پس از پیروزی در اولین دادگاهی که شاگردش در آن شرکت خواهد کرد، دریافت کند. استاد پس از چند جلسه تدریس، شاگرد خود را به دادگاه برد و از وی شکایت کرد که حق الزحمه وی را نمی دهد.

❖ استاد مدعی بود که دادگاه یا حق را به جانب وی می دهد که در این صورت شاگرد موظف است حق الزحمه او را بپردازد، یا آنکه حق را به جانب شاگرد خواهد داد، که در این صورت بر اساس قراردادی که میان آنها وجود دارد، چون شاگرد در اولین دادگاهی که در آن شرکت کرده پیروز شده است، موظف است تا حق الزحمه او را بپردازد! بنابراین نتیجه دادگاه هرچه باشد، شاگرد باید حق الزحمه او را فوراً بپردازد.

؟ این داستان نمونه ای از یک مغالطه است. به نظر شما استدلال استاد چه اشکالی دارد؟

توضیح مغالطه در این حکایت:

استاد از مغالطه ذوحدین جعلی استفاده کرده است.

او اینگونه استدلال می کند:

❖ اگر دادگاه به نفع من رای دهد (بر اساس حکم دادگاه) باید پول من پرداخت شود.

❖ اگر دادگاه به نفع من رای ندهد (بر اساس قرارداد) باید پول من پرداخت شود.

چنانکه ملاحظه می شود، مبنای وی در مورد اول «حکم دادگاه» است. اما در مورد دوم مبنای خود را عوض کرده است و دیگر به حکم دادگاه اهمیت نمی دهد! این بار مبنای وی «قرارداد» است. بدین ترتیب وی با تغییر مبنا و ملاک خود، در هر دو بار فقط قسمتی را که به نفع خودش هست می پذیرد. شاگرد وی نیز برای نشان داده مغالطه ی استاد، مشابه استدلال وی را انجام می دهد و این بار دو حالت دیگر را که به نفع خودش هست انتخاب می کند.

❖ استفاده از مغالطه برای نشان دادن مغالطه طرف مقابل یکی از راهبردهای مبارزه با مغالطه است.

منطق برای جلوگیری از خطای ذهن پدید آمده است.

به خطای ذهن به معنای عام آن مغالطه «سفسطه» می‌گویند.

- مغالطات مانند بیماری‌هایی هستند که پزشک باید برای درمان آنها با آنها آشنا باشد.
- علم منطق قوانین حاکم بر ذهن ما را بیان می‌کند قوانین منطقی کشف قواعد طبیعی ذهن ما هستند و نه اختراعی جدید.
- دانستن منطق به ذهن کمک می‌کند تا در روندی که به طور طبیعی طی می‌کند دچار اشتباه نشود.
- منطق علمی کاربردی و نیازمند کسب مهارت است. مانند رانندگی یا دوچرخه سواری.
- منطق علمی ابزاری علمی آلی (و نه علمی که حقایق هستی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر منطق مانند شاقول بنایی و ترازو است و سیستم‌های کنترلی خودرو است و نه مانند مصالح ساختمانی و یا موتور اتومبیل.)
- حیطة کاربرد منطق در کل زندگی ما و در همه رشته‌های تحصیلی است.

برای آشنایی با دو حیطة ی اصلی منطق، لازم است به تفاوت تصور و تصدیق توجه کنیم.

بدین منظور به سوالات زیر پاسخ دهید:

♦ آیا می دانید اسطرلاب چیست؟

♦ آیا می دانید سیمرغ و سی مرغ چه هستند و چه تفاوتی با هم دارند؟

□ ممکن است اکثر شما ندانید اسطرلاب چیست؛ اما کم و بیش تصویری از مرغ و سیمرغ دارید .

● به طور مثال تعریفی از اسطرلاب و سیمرغ و سی مرغ ارائه می شود.

☞ اسطرلاب وسیله ای در نجوم و طالع بینی است، برای مطالعات و محاسبات کارهای نجومی از قبیل پیدا کردن ارتفاع و زاویه ی آفتاب، محل ستارگان و سیارات، به دست آوردن طول و عرض جغرافیایی

☞ سیمرغ پرنده ای افسانه ای ایرانی است که در شاهنامه داستانهایی دارد دانا و خردمند بوده است .اما سی مرغ به معنای 30 پرنده است.

با این کار چند جمله درباره ی تصور اسطرلاب و سیمرغ و سی مرغ بیان کرده ایم و اوصافی را به آن نسبت داده ایم .

♦ دانش بشری را به دو حیطة کلی تقسیم کنیم:

1) تصور: مانند درک ما از سیمرغ، درخت، مثلث قائم الزاویه و مانند آن .در این حالت به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط این تصور با سایر امور، کاری نداریم و تنها همان تصور را به ذهن می آوریم.

2) تصدیق: مانند جملاتی که درباره ی سیمرغ بیان کردید یا جملاتی چون درختان در روز اکسیژن تولید می کنند ، مثلث قائم الزاویه سه زاویه ی مساوی ندارد .

همان طور که می بینید در تصدیقات، حکم و قضاوت وجود دارد و در آنها اوصافی را به چیزی نسبت می دهیم یا از آن سلب می کنیم.

از میان موارد زیر تصور و تصدیق را مشخص کنید:

تصور: مرغ، سیمرغ افسانه ای، گرگ

تصدیق: سیمرغ افسانه ای است، عاقبت گرگ زاده گرگ شود.

✓ کلمات و عبارات زیر تصور هستند یا تصدیق؟

آسمان آبی هوا ابری است. حیوانی که بال دارد. انسان شاخ دار وجود ندارد.

تعریف

❖ اگر کسی تصویری از بلیت الکترونیکی اتوبوس نداشته باشد، چگونه می توانیم آن را به وی معرفی کنیم؟

❖ برای این کار نیز از تصورات معلوم وی استفاده می کنیم و شیء جدید را برای وی توصیف می کنیم؛ مثلاً می گوئیم بلیت الکترونیکی به جای بلیت های کاغذی استفاده می شود و چیزی شبیه کارت بانکی است که با قرارداد آن بر روی دستگاهی که در اتوبوس ها یا ایستگاه های اتوبوس درون شهری نصب شده است، از مبلغی که در آن ذخیره کرده اید کم می شود، با این کار یک تصور مجهول را به کمک چند تصور معلوم تعریف کرده ایم.

حیطه ی بکارگیری منطق:

❖ منطق ابزار یادگیری فلسفه است.

❖ فکر صحیح و تصمیم گیری صحیح را به ما می آموزد.

❖ منطق مانع از خطای در اندیشه می شود.

☞ بنابراین در سراسر زندگی به منطق نیازمندیم اعم از اینکه بخواهیم مطلبی را تعریف کنیم یا فردی را متقاعد سازیم یا در تعلیم و تعلم دچار خطا نشویم و یا در معاملات شکست نخوریم.

توفیق در تفکر و توفیق در عمل:

منطق دانان حتی برای نحوه صحیح بحث میان دو نفر (مناظرات) قوانینی وضع کرده اند.

نحوه ی بکارگیری منطق:

منطق دارای قواعدی است که ذهن به طور طبیعی از آن پیروی می کند منطق دانان این قواعد را کشف کرده اند و به صورت علم منطق در اختیار ما قرار داده اند. هر چند ذهن این قواعد را بطور طبیعی بکار می برد اما ذهن همواره در معرض لغزش قرار دارد لذا با یادگیری منطق می توان عوامل لغزش را تشخیص داد.

منطق علم کاربردی و نیازمند تمرین است همچون دوچرخه سواری؛ شنا که باید بصورت عملی فراگرفته شود نه نظری.

منطق ابزار سایر علوم است منطق همانند سیستم کنترلی یک خودرو است که همه چیز آنرا کنترل می کند ولی سبب حرکت آن نمی شود. بنابر این منطق حکم شاقول در بنایی را دارد که بکارگیری آن سبب ایجاد بنای فکری مستحکم می شود ولی مصالح لازم برای این بنا توسط سایر علوم فراهم می گردد.

به همین جهت است که منطق را به شاقول بنایی تشبیه کرده اند شاقول در بنایی از کج شدن دیوار جلوگیری می کند و منطق هم از کج اندیشی جلوگیری می نماید.

نخستین بار قواعد منطق توسط ارسطو در یونان باستان چهار قرن پیش از میلاد مسیح گردآوری شد. بعد از آن فیلسوفان رواقی در بسط آن کوشیدند و در عالم اسلام ابن سینا سهم مهمی در توسعه ی آن داشته امروزه شاخه های مختلف فلسفه از جمله فلسفه ی تحلیلی، فلسفه ی زبان، فلسفه ی ریاضی و فلسفه ی منطق به مباحث منطقی اختصاص دارد.

دو حیطة ی اصله منطق، تعریف و استدلال:

مجهولات انسان دو دسته هستند:

1- گاهی انسان در صدد این است که تصورات مجهول خود را معلوم سازد که از تصورات معلوم خود کمک می گیرد که این امر نیازمند تعریف است.

مانند اینکه کسی بپرسد جزیره چگونه مکانی است؟ در پاسخ بگوییم قطعه زمینی است که آب از هر سو آنرا احاطه کرده است که از تصورات معلومی چون قطعه زمین، احاطه کردن در تعریف جزیره استفاده شده است.

2- گاهی می‌خواهیم تصدیق‌های مجهول خود را معلوم سازیم که در این صورت از تصدیق‌های معلوم استفاده می‌کنیم این تصدیق‌های معلوم استدلال نام دارند.

مانند اینکه اگر کسی بپرسد چرا جیوه هادی الکتریسته است؟ در پاسخ می‌گوییم که چون جیوه فلز است و چون فلزات هادی الکتریسته هستند پس جیوه هادی الکتریسته است.

✓ از آنجایی که وظیفه ی منطق جلوگیری از خطای در اندیشه است پس منطق به دو بخش تقسیم می‌شود:

□ ← الف- تعریف (جلوگیری از خطای در تصور

□ ← ب- استدلال (جلوگیری از خطای در تصدیق

✓ مشخص کنید که کدام یک از موارد زیر تعریف و کدام یک استدلال هستند :

چون قاشق چوبی گرما را منتقل نمی‌کند، غذا را با آن هم بزن تا دستت نسوزد □ ← .استدلال

منطق علمی است که از خطای ذهن جلوگیری می‌کند □ ← .تعریف

معلم ما در کلاس است؛ پس در خانه اش نیست □ ← .استدلال

ترابری یعنی حمل و نقل کالا یا مسافر از جایی به جای دیگر □ ← .تعریف

◆ فعالیت تکمیلی :

1- جملاتی که با چيست پایان می‌پذیرند و جملاتی که با چرا آغاز می‌شوند با کدام یک از دو مبحث اصلی منطق ارتباط دارند؟

چيست □ ← تعریف چرا □ ← استدلال

2- از میان موارد زیر تصویرها و تصدیق‌ها را مشخص کنید:

◆ منطق معیار تفکر است □ ← منطق □ ←

◆ تصدیق بخشی از علم است □ ← کوه سهند □ ←

◆ ارتفاعات کوه سهند □ ← کوه سهند مرتفع است □ ←

2- اگر ذهن انسان به صور طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد، چه نیازی به خواندن منطق داریم و چرا به صرف خواندن کتابهای منطق از خطای ذهن مصون نمی مانیم؟

♦ ذهن انسان به صورت طبیعی بر اساس قواعدی می اندیشد . منطق دانان این قواعد را کشف کرده اند و به صورت علم منطق در اختیار ما قرار داده اند . گرچه ذهن انسان به طور طبیعی منطقی رفتار می کند و بدون دانستن نامهای این قواعد، آنها را در زندگی خود به کار می برد؛ اما ذهن همواره در معرض لغزش قرار دارد و معمولاً در استدلالهای پیچیده یا تعریف دقیق اصطلاحات خاص، دچار اشتباه می شود . به همین دلیل با به کارگیری علم منطق که به دسته بندی و توضیح قواعد ذهن می پردازد، سریع تر و دقیق تر می توان عوامل لغزش و خطای ذهن را تشخیص داد.

تصور بر چند قسم است:

1- تصور واحد مانند تصور سقراط

2- تصور متعدد بدون نسبت تقییدی یا وصفی مانند تصور (خورشید و ماه) و (سقراط و افلاطون) و (زشت و زیبا)

3- تصور متعدد با نسبت تقییدی یا وصفی مانند تصور (خانه حسن) و (خانه بزرگ) در خانه حسن تقیید اضافی است، و در خانه بزرگ تقیید وصفی.

4- تصور متعدد با نسبت خبری که مشکوک فیہ باشد . مانند شک در اینکه حسن عالم است.

✦ اگر برای شناساندن تصور مجهولی از تصورات معلوم استفاده کنیم به

آن «تعریف» می گوئیم. ✦

□ *مثلاً می پرسیم: مثلث چیست؟ می گوئیم: مثلث شکل سه ضلعی است.

□ *و یا می پرسیم: جزیره چیست؟ قطعه زمینی که از هر سو آب اطراف آن را فرا گرفته باشد .

□ *وقتی کسی نداند جیوه چیست برای معلوم ساختن این تصور برای او از تصورات معلوم وی، از قبیل: مایع، حرارت، فلز، وزن مخصوص، به رنگ نقره و ... بهره می گیریم و می گوئیم (فلزی به رنگ نقره که در دمای محیط به صورت مایع است و دارای فلان وزن مخصوص)

♦ بدین سان تصویری از جیوه در ذهن آن شخص پدید می آید.

نمونه سوالات تستی!

1) علم منطق در پی است و منطق دانان در صدد هستند.

- 1) جلوگیری از خطای در اندیشه-تشخیص انواع خطاهای ذهنی و راههای مقابله با آن
- 2) توسعه ی دانش- شناخت چگونگی طرز کار ذهن
- 3) جلوگیری از خطای در استدلال-تشخیص انواع خطاهای تصدیقی و راههای مقابله با آن
- 4) جلوگیری از خطای در تعریف-تشخیص انواع خطاهای تصویری و راههای مقابله با آن

☞ پاسخ صحیح گزینه ی یک، گزینه ی دو نادرست است چون منطق در پی توسعه ی علوم نیست گزینه سه و چهار هر یک فقط یک قسم از فکر را مطرح کرده اند و کامل نیستند

2) مغالطه و خطاهای ذهنی ناشی از چیست؟

- 1) حکم غلط، استدلال باطل، تصور اشتباه
- 2) تصور اشتباه، تعریف غلط، استدلال باطل
- 3) حکم غلط، تصور اشتباه، تاثیرات احساسی و روانی
- 4) تاثیرات احساسی و روانی، حکم غلط، استدلال ناروا

چون مغالطه می تواند ناشی از حکم غلط یا تصور اشتباه باشد و یا ناشی از یکسری تاثیرات روانی، گزینه یک و چهار نادرست است چون حکم غلط و استدلال نادرست یکی هستند و گزینه دو هم نادرست است چون تصور اشتباه و تعریف غلط مفاهیم یکسانی هستند.

3) وظیفه ی علم منطق چیست؟

- 1) ابداع شیوه ی تفکر وارائه ی راهکار جهت توفیق بر مغالطه
- 2) بیان قوانین حاکم بر ذهن و روشهای جلوگیری از مغالطه و پاسخ به مغالطات
- 3) آموزش شیوه ی درست اندیشیدن و بیان انواع مغالطه
- 4) کمک به انسان برای فهم مسائل فلسفی و توفیق بر مغالطه

چون همه ی موارد ذکر شده گزینه دو نادرست چون وظیفه ی منطق ابداع تفکر نیست گزینه ی سه نادرست چون کار منطق فقط بیان انواع مغالطه نیست گزینه ی چهار نادرست چون منطق صرفا ابزار فلسفه نیست.

4) کدام یک از موارد زیر به ترتیب تصور و تصدیق است؟

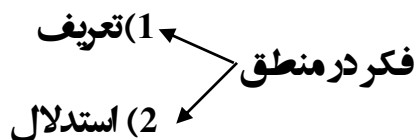
- 1) انسان ناطق است - خانه ی ویلایی
- 2) کتاب منطق - او می آید
- 3) کتابی که خواندم - مدرسه ی زیبا
- 4) زمین سیاره است - دماوند بلندترین کوه ایران است

گزینه یک قسمت اول تصدیق و قسمت دوم تصور است. گزینه سه هر دو تصور هستند. گزینه چهار هر دو تصدیق هستند.

5) کدام دسته از گزینه های زیر بیانگر تصدیقات است؟

- 1) شب بارانی - خورشید روشن و گرم است - زمین به دور خورشید می گردد
- 2) دیوان حافظ - شعر شاعر - سخن حکیم
- 3) کتاب گلستان، اثر سعدی است - باد می وزد - عسل شیرین است
- 4) انسان پر از رمز و راز - روز اول مهر ماه هزار و سیصد و نود و چهار - زمین کروی است

شب بارانی ، دیوان حافظ، شعر شاعر ، سخن حکیم، انسان پر از رمز و راز ، روز اول مهر ماه هزار و سیصد و نود و چهار ، همه تصور هستند.



❖ تعریف از تصورات معلوم بدست می آید.

❖ استدلال از تصدیقات معلوم بدست می آید.

✓ موضوع منطق ← تعریف و استدلال است.

✓ وظیفه منطق ← جلوگیری از خطای اندیشه است.

□ عبارات زیر تصور است یا تصدیق؟

- روز بیستم دی ماه هزار و سیصد و نود و پنج ← □ ()
- مریخ سیاره است ← □ ()
- آپارتمان پنج طبقه روبروی خانه ی ما ← □ ()
- کتاب منطق پایه دهم انسانی ← □ ()
- جواد مقاله اش را نوشت ← □ ()
- مردان دلیر و فداکار جنگ ← □ ()
- عدد دو از عدد سه کوچکتر است ← □ ()
- حیاط بزرگ مدرسه ی ما ← □ ()
- منطق علم درست اندیشیدن است ← □ ()
- مجموع زوایای مثلث صد و هشتاد درجه است ← □ ()
- مسلمانان صدر اسلام ← □ ()
- شکل سه ضلعی ← □ ()

به سوالات زیر پاسخ دهید!

۱) کدام گزینه به ترتیب در برگیرنده ی تصور و تصدیق است؟

- ۱) اولین روز مدرسه ام - دانش آموزان کلاس دهم
- ۲) مردی که زیر باران راه می رفت - شب های خنک تابستان
- ۳) جهان طبیعت همواره در تغییر است - آسیاب های بادی خیال من
- ۴) عصای پدر بزرگ پیرم - برگ بیشتر درختان، سبز است

گزینه ۱ و ۲، دو تصور هستند. گزینه ۳، اولی تصدیق، دومی تصور است. گزینه ۴ درست است که اولی تصور و دومی تصدیق است.

۲) کلمات و عبارات زیر تصور هستند یا تصدیق؟

- ۱) آسمان آبی
- ۲) هوا ابری است.
- ۳) حیوانی که بال دارد.
- ۴) انسان شاخ دار وجود ندارد.

□ *در عبارات زیر تصور و تصدیق را تعیین کنید:

- | | |
|---------------------|-----------------------|
| دانش آموز درسخوان ☞ | او می آید ☞ |
| کتاب منطق ☞ | کوه زاگرس ☞ |
| دوست مهربان من ☞ | منطق معیار تفکر است ☞ |
| عالم متغیر است ☞ | خانه ی ویلایی زیبا ☞ |
| وقتی او را دیدم ☞ | اگر باران بیارد ☞ |

✓ معانی کلمات مشخص شده را بیان کنید و بگویید کدام یک به معنای اصطلاحی است که در منطق به کار می‌رود؟

✦ برای راندگی تصدیق داری؟ (پاسخ: تصدیق به معنای مدرک، گواهینامه، تاییدیه است.)

✦ تصدیق غیر از تصور است؟ (پاسخ: تصدیق به معنای اصطلاح منطقی آن است.)

✦ تو، هم مرا تصدیق می‌کنی؟ (پاسخ: تصدیق به معنای تایید است.)

✦ بیا که تو به زعلِ نگار و خنده‌ی جام / حکایتی است که عقلش نمی‌کند تصدیق

(پاسخ: تصدیق به معنای تایید و قبول است.)

□ * در عرف بی منطق بودن به چه معناست؟

(پاسخ: در عرف به معنای نامعقول بودن، ناسازگار بودن و ضد و نقیض حرف زدن، بی ربط حرف زدن، بی دلیل حرف زدن و ... است.)

(پاسخ: در عرف، عباراتی نظیر منطق اینکار چیست؟ به معنای سوال در مورد اصول و اهداف آن کار است. لذا غیر منطقی بودن به معنای بی مبنا و بی هدف بودن نیز هست.)

□ * منظور از تصور و تصدیق چیست؟

(تصور: مانند درک ما از سیمرغ، عدم، درخت، حرام بودن و ... در این حالت به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط این تصور با سایر امور، کاری نداریم و تنها همان تصور را به ذهن می‌آوریم.)

(تصدیق: جملات قائم جزئی صادق است که در آن حکم و قضاوت وجود دارد و در آنها اوصافی را به چیزی نسبت می‌دهیم یا از آن سلب می‌کنیم و دارای سه جزء موضوع، محمول و نسبت کلمه می‌باشد. مانند: درختان در روز اکسیژن تولید می‌کنند.)

«نکات تکمیلی درس اول»

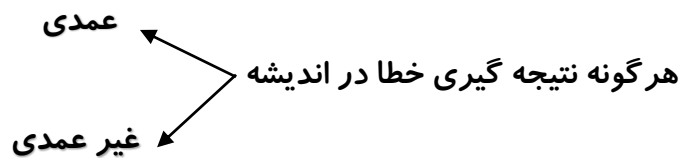
- 1- بیان قوانین حاکم بر ذهن
- 2- روش های جلوگیری از مغالطات (خطای اندیشه)
- 3- تشخیص خطاهای بیشمار ذهن
- 4- دانش منطق چیستی چگونه قواعد ذهن را بررسی میکند
- 5- ناچار است مواد خود را از سایر دانش ها بگیرد
- 6- وظیفه منطق تعریف مفاهیم مختلف نیست
- 7- سنجش رعایت قواعد تعریف از طریق دانش منطق امکان پذیر است
- 8- استفاده از تعریف در فرهنگ لغات به علم منطق مرتبط نمی شود
- 9- ذهن انسان به طور طبیعی بر اساس قواعد می اندیشد
- 10- دسته بندی و توضیح قواعد ذهن

منطق:

❖ **نکته:** هرکس به طور طبیعی از علم منطق استفاده میکند پس:

1. علم منطق آموختنی نیست.
2. علم منطق طبیعی است.
3. علم منطق سازنده ندارد.
4. مخترع ندارد.
5. تدوین گر و کاشف دارد.

تعریف مغالطه:



تلاش منطق دانان:

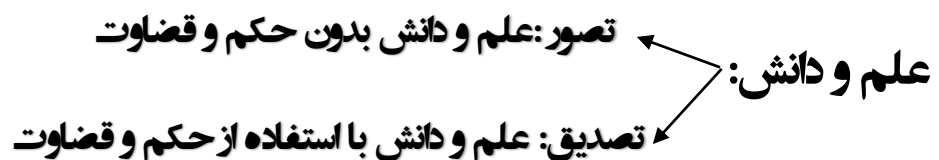
- بیان روش جلوگیری از خطا و مغالطه
- دسته بندی انواع خطاهای ذهن
- بیان قوانین و قواعد حاکم بر ذهن

منطق علمی کاربردی که تبحر در آن به تمرین و ممارست نیاز دارد و باید به صورت عملی فراگرفته شود و ابزاری در خدمت سایر علوم است.

❖ منطق علمی است که قوانین حاکم بر ذهن را کشف می کند.

❖ منطق هم علم ابزاری هم عملی است.

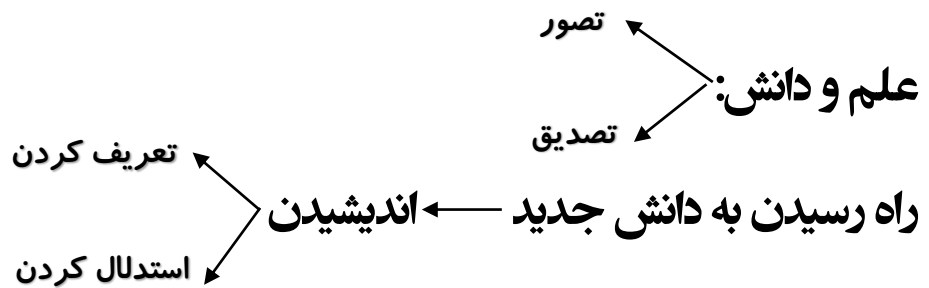
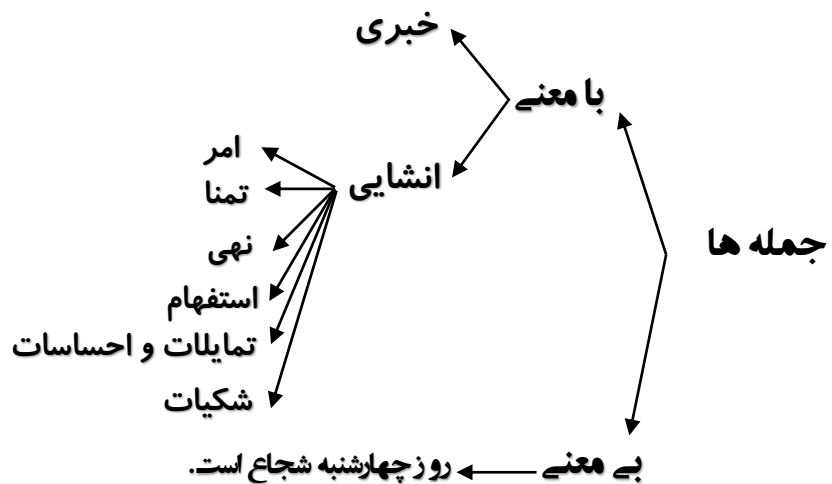
↓
نیازمند تمرین و ممارست



❖ **نکته:** در تصور کاری نداریم امور واقعیت دارد یا نه، اما در تصدیقات کار داریم که

تصدیق با واقعیت سروکار دارد یا ندارد.

❖ هر جا جمله یا فعلی را مشاهده کردید، تصدیق نمیشود.



- تصور:**
1. علم و دانش بدون حکم و قضاوت.
 2. به واقعیت داشتن یا نداشتن یا ارتباط این تصور با سایر امور کاری نداریم.
 3. یک کلمه یا مجموع کلمات

تصدیق:

- حکم و قضاوت وجود دارد.
- اوصافی را به چیزی نسبت یا از آن سلب می کنیم.

❖ رابطه ی تصدیق یا سلبی است یا وجوبی.

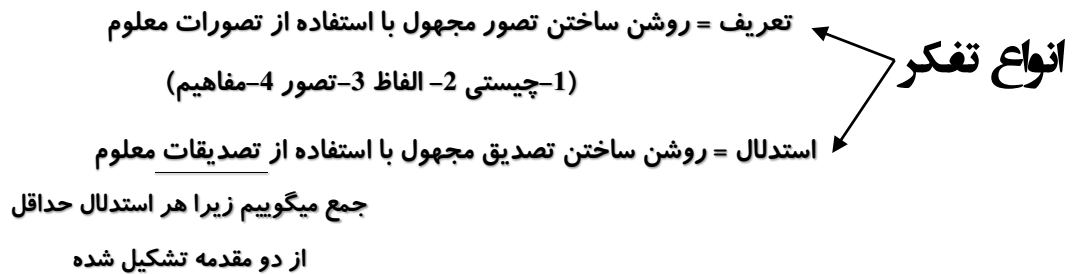
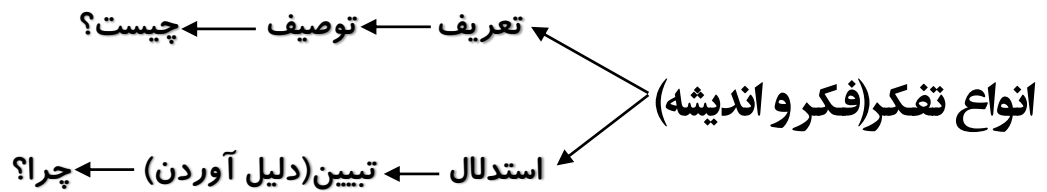
❖ نکته: جملات ناقص و جملات انشایی تصورند نه تصدیق.

جملات انشایی:

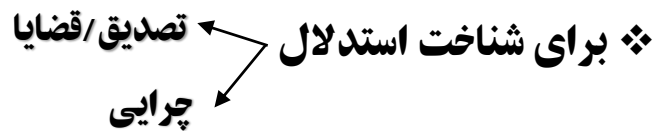
1. امر
2. تمنی و آرزو
3. دعا
4. نهی
5. پرسش
6. منادا (ندا)

جمله ناقص:

- وقتی او را دیدم.
- اگر درس بخوانم.
- خانه ای که خریدم.
- مردی که در طبقه ی بالا زندگی میکند. (تصور)
- اگرچه در مسابقه پیروز شدیم... (تصور)



❖ هر استدلالی باید دو مقدمه داشته باشد.



مفهوم ← درک معنا در ذهن

مصدق ← واقعیت های خارج از ذهن

دنیای خارج ← دنیای خارج از ذهن

دنیای ذهن ← در ذهن باشد.

باید دانست که مغالطه به الفاظ بیشتر از آن باشد که به معانی؛ و اکثر مغالطات لفظی به اشتراک اسم بود. خواجه نصیرالدین طوسی، اساس الاقتباس

* مشخص کنید که هر یک از عبارات زیر لفظ خواب درباره خود لفظ اند یا در مورد امری ذهنی یا امری در جهان خارج:

1- خواب خوبی دیدم (.....).

2- چهار حرف دارد (.....).

3- وقتی زنگ زد، خوابیده بودم (.....).

(1) ✓ ذهن (2) ✓ زبان (3) ✓ خارج

با بررسی سه جمله بالا مشاهده می کنید که مراد ما از مطالبی که بیان می کنیم، گاه مربوط به ذهن است و گاه مربوط به زبان (لفظ) و گاه مربوط به خارج از ذهن.

برای تصویر کردن خارج، از یک درخت (مصدق) و برای زبان از نوشته ی «درخت» و برای ذهن از تصویر یک درخت در ذهن استفاده شده است.

✓ در عبارات دیشب خواب پدر بزرگم را دیدم، دیشب ساعت 11 خوابیدم، مراد از لفظ خواب

چیست؟

- (1) ذهنی - زبانی
- (2) زبانی - خارجی
- (3) ذهنی - خارجی
- (4) زبانی - ذهنی

□ * پاسخ: گزینه 3

✗ توضیح: در جمله ی اول، خواب دیدن یک فرایند ذهنی است. در جمله ی دوم خوابیدن، امر واقعی و خارج از ذهن است.

اشتراک لفظ:

◆ به موارد زیر توجه کنید:

☞ فردی دو ساعته، پیاده از تهران به مشهد رفت! مسافرت وی سه هفته طول کشید، ولی همواره دو عدد ساعت به دست خود بسته بود!

☞ روزی راننده ای به پیچی رسید؛ خم شد و آن را برداشت!

☞ او سیر است. سیر بد بو است؛ پس او بد بو است!

خطاهایی که جملات فوق پدید می آورند، ناشی از چه مطلبی در مبحث الفاظ اند؟

در مثال اول، ساعت در دو معنی به کار رفته:

ساعت به معنای ← □ زمان

ساعت به معنای ← □ ابزار و وسیله ی نشان دادن زمان

در مثال دوم پیچ به دو معنی به کار رفته:

پیچ به معنای ← □ پیچ جاده

پیچ به معنای ← □ پیچ ابزار

در مثال سوم سیر به دو معنی به کار رفته:

سیر به معنای ← □ سیر بودن در برابر گرسنه بودن

سیر به معنای ← □ سیر بوته و گیاه

در هر زبانی، گاه چند معنای متعدد به کمک یک لفظ واحد بیان می شوند. مانند لفظ شیر که دارای سه معنا در زبان فارسی است. به این کلمات (مشترک لفظی) می گویند.

◇ بسیاری از لطیفه ها نیز براساس اشتراک لفظ پدید آمده اند، به مثال زیر توجه کنید:

«فردی چند بلوک سیمانی را روی دوشش گذاشته بود و می برد. یکی به او گفت: چرا اینها را با فرغون نمیبری؟»

گفت: دفعه قبل با فرغون بردم، چرخش پشتم را اذیت کرد! 😊

✓ در اینجا با دارای دو معنای مختلف است؛ به وسیله ی ، به همراه

اشتراک لفظ:

□ * اشتباه گرفتن کلماتی که ظاهری مشترک دارند، باعث بروز مغالطه اشتراک لفظ می شود. این مغالطه یکی از شایعترین انواع خطاهای ذهنی است و به تعبیر مولوی:

☞ اشتراک لفظ دائم رهن است

□ * زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آنها را بیان کنید:

□ * امشب صدای تیشه از بیستون نیامد شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

□ ◀ پاسخ:

خواب شیرین: خواب خوش - خوابی که شیرین خانم می بیند

□ * علی کاری است. کاری غذا را خوشمزه می کند؛ پس علی غذا را خوشمزه می کند.

□ ◀ پاسخ:

کاری: فعال و کوشا - نوعی ادویه

◊ معنای واژه های زیر را مشخص کنید:

شما نمی توانید وارد بخش مراقبت های ویژه بشوید. نمی توانی.... :

چون رانندگی بلد نیستی، نمی توانی ماشین را داخل پارکینگ بیاوری. نمی توانی.... :

پیر شده ای و دیگر نمی توانی این سنگ را بلند کنی. نمی توانی.... :

□ * پاسخ:

نمی توانید: اجازه ندارید، ما جلوی شما را می گیریم

نمی توانی: بلد نیستی، قادر به انجام صحیح این کار نیستید.

نمی توانی: نیروی لازم را نداری.

❖ نکته: اشتراک لفظ می تواند در اسم، فعل و حرف باشد.

بار ارزشی کلمات در جملات:

□ کلمات و الفاظی که در زندگی به کار می‌بریم، دارای بارهای ارزشی متفاوتی هستند. به الفاظ زیر توجه کنید:

✓ مردن، فوت شدن،	✓ در قیدحیات نبودن،	✓ به ملکوت اعلی
✓ سر به نیست شدن،	✓ تیرباران شدن، به درک	✓ پیوستن، سر خود را
✓ مرحوم شدن،	✓ واصل شدن، رخت از	✓ برباد دادن، شهید
✓ به آن دنیا رفتن، به	✓ ین سرای بر بستن، به	✓ شدن، به پایان عمر
✓ رحمت خدا رفتن،	✓ لقاء الله واصل شدن، به	✓ خود رسیدن، دار فانی
✓ کشته شدن، اعدام	✓ قتل رسیدن، سَقَط	✓ را وداع کردن، به
✓ شدن، رحلت کردن،	✓ شدن، پیش خدارفتن،	✓ سرای باقی شتافتن،
✓ بالای دار رفتن، به	✓ عمرش را به شما دادن،	✓ غرق شدن.
✓ هلاکت رسیدن،	✓ خفه شدن، ترور شدن،	

؟ آیا این کلمات پیام واحدی را منتقل می‌کنند؟

✓ خیر

□ * **مراد از بار ارزشی مثبت:** مودبانه بودن و یا پیامی مثبت به همراه داشتن است. مانند: فوت شدن که مودبانه است و یا شهید شدن که نشان می‌دهد فرد در راه خداوند کشته شده است و فردی بهشتی است.

□ * **مراد از بار ارزشی منفی:** بی ادبانه بودن و یا پیامی منفی به همراه داشتن است. مانند: سقط شدن که بکار بردن آن در مورد انسان بی ادبی است و یا به درک واصل شدن که بجز بی ادبانه بودن، نشان از جهنمی بودن فرد (دَرک یکی از طبقات جهنم است) دارد.

□ * **مراد از خنثی بودن نداشتن بار مثبت یا منفی است.** مانند مردن

مغالطه ی بار ارزشی کلمات:

به کاربردن اشتباهی یا عمدی کلماتی که دارای بار ارزشی متفاوتی هستند، می تواند منشأ خطای اندیشه باشد که آن را مغالطه «بار ارزشی کلمات» می نامند.

بدین جهت باید متوجه بار ارزشی کلماتی که می شنویم، باشیم و سعی کنیم تا پیام اصلی متن را ارزیابی کنیم. به عنوان مثال سه عبارت زیر تنها یک پیام را منتقل می کنند؛ اما در آنها از کلماتی با بار ارزشی متفاوت استفاده شده است:

▲ من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم.

□ = ثابت قدم و استوار □ ← بار ارزشی مثبت

▲ شما نسبت به پیش فرض های خود لجابت و تعصب می ورزید.

□ = لجابت و تعصب □ ← بار ارزشی منفی

▲ او در موضع گیری های خود یک دنده و کله شق است.

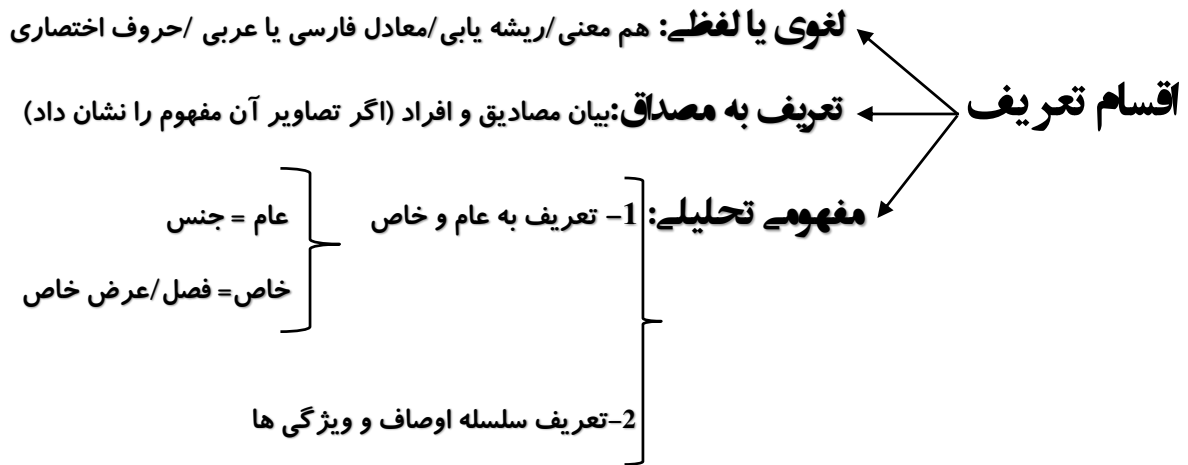
□ = یک دنده و کله شق □ ← بار ارزشی منفی

□ ♦ توضیح: اعتقادات، پیش فرض ها، موضع گیری ها تقریباً هم معنا هستند و در این جملات خیلی تفاوت ارزشی متفاوت ندارند. اما ثابت قدم و استوار بار مثبت دارند و لجابت و تعصب، یک دنده و کله شق، بار منفی دارند.

دلالت: یعنی این که چیزی ذهن ما را به چیز دیگر رهنمون شود یا از علم به یک چیز، علم به چیز دیگر حاصل آید .

☞ مانند اینکه دود دلالت بر آتش دارد، دود دال دلالت کننده و آتش مدلول آنچه به سبب دود یعنی دلالت کننده بدان پی می بریم.

«درس چهارم»



❖ جنس مصداق خارجی ندارد.

❖ هر جنسی اسمی برای خودش دارد.

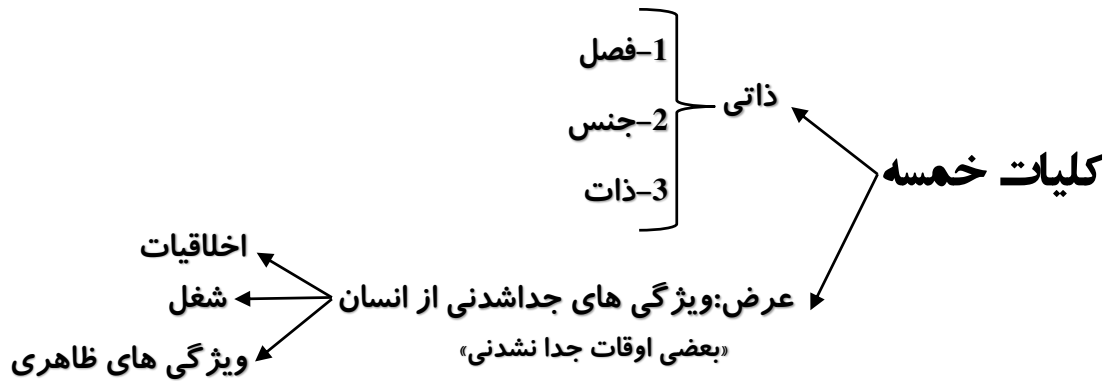
تساوی های معروف: (هر جنس با فصلش)

- | | | | |
|-----------------|-------------------|-------------------------|-------------------|
| 1- انسان و ناطق | 3- مثلث و سه ضلعی | 5- خفاش و پرواز | 7- جسم سه بعدی |
| 2 حیوان و حساس | 4- اسب و شیهه | 6- پستاندار، بچه زابودن | 8- جیوه، فلز مایع |

❖ مس، طلا، نقره، آلومینیوم ← جنس = فلز

❖ مربع، دایره، مثلث، لوزی ← جنس = شکل • فصل مربع = منتظم بودن

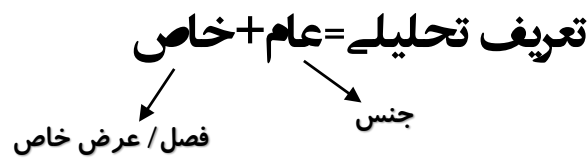
• فصل دایره = منحنی الدوری که هر نقطه روی آن تا مرکز یک اندازه



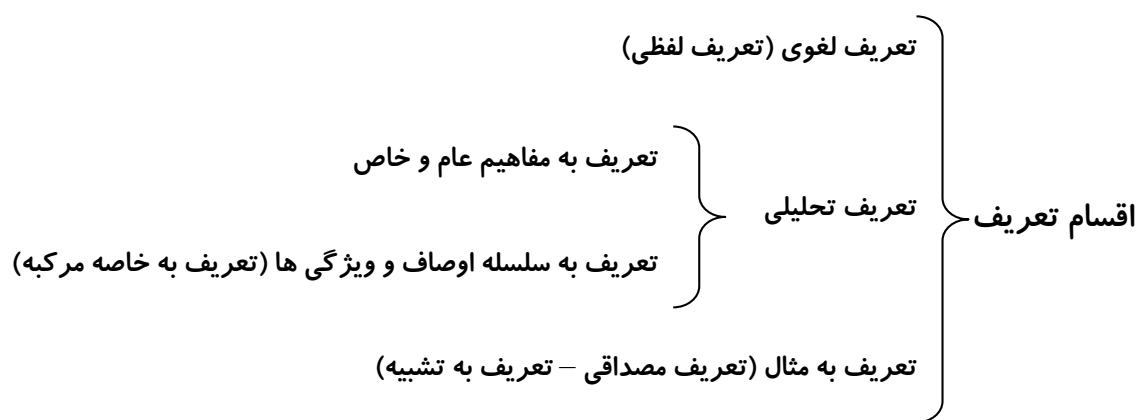
عرض خاص مثلث: 3 زاویه

عرض های خاص انسان: تمامی شغل ها / تمامی حرفه ها / تمامی اخلاقیات

عرض عام: راه رفتن / عوامل غریزی انسان



- ❖ تعریف، کاربرد وسیعی در علوم مختلف دارد.
- ❖ در تمامی علوم از اصطلاحات تخصصی خاصی استفاده می شود که در آن علم تعریف می شوند؛ اصطلاحاتی همچون: گشتاور در فیزیک، قضیه در منطق، فتوسنتز در زیست شناسی، جلگه در جغرافیا
- ❖ در بحث و گفت و گوی میان دو نفر نیز داشتن تعریفی مشترک از یک مطلب اهمیت دارد.
- ❖ گاهی اوقات ریشه اصلی اختلافات ناشی از مشخص نبودن مفاهیم و نداشتن تعریفی دقیق از آن ها است.
- ❖ آموختن نحوه تعریف صحیح مفاهیم و انواع تعریف، در زندگی انسان از اهمیت زیادی برخوردار است و ما را از دچار شدن به بسیاری از خطاهای ذهن باز می دارد.



تعریف لغوی (تعریف لفظی):

معنای لغوی یک مفهوم یا نحوه شکل گیری لغوی آن بیان می شود.

- ❖ بهمین: مرکب از به (خوب و نیک) + من (نفس و اندیشه)، به معنای اندیشه نیک است؛ نام یکی از فرشتگان آسمانی در دین ایران باستان و نام ماه یازدهم از سال خورشیدی
- ❖ فردوس: معرب کلمه فارسی پردیس، به معنای باغ، بستان، بهشت.
- ❖ ناجا: مخفف حروف نخستین کلمات عبارت «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»
- ❖ در این شیوه، از لغات و اصطلاحات مترادف و آشنا برای شنونده استفاده می شود.

- 1- کسی که شب نخوابیده باشد مانند باتری ای است که شارژ آن تمام شده باشد؛ بنابراین به خواب کافی نیاز دارد.
- 2- هر بار که شبها به میزان کافی نخوابیده ام، در طول روز خسته بوده ام؛ بنابراین به خواب کافی نیاز دارم.
- 3- من انسان هستم و هر انسانی به خواب کافی نیاز دارد؛ بنابراین به خواب کافی نیاز دارم.

❖ استدلال نخست از یک تشبیه استفاده کرده است که ممکن است مورد مناقشه قرار گیرد.

❖ استدلال دوم از چند تجربه به این نتیجه دست یافته است

❖ استدلال سوم از قانونی کلی درباره نیاز بدن به این نتیجه رسیده است.

به استدلال های زیر توجه کنید:

1- می دانیم که برای رفتن به دانشگاه باید دیپلم بگیریم و حمید دانشجو است. بنابراین نتیجه می گیریم که او دیپلم دارد.

2- راننده ماهری را در نظر بگیرید که بارها توانسته است در شرایط خطرناک خودروی خود را کنترل کند. بنابراین نتیجه می گیریم که او هیچ گاه با کسی تصادف نخواهد کرد.

در مورد نخست، نتیجه به دست آمده ضرورتاً صحیح است؛ اما در مورد دوم این نتیجه قطعی نیست.

براین اساس استدلال ها را به دو دسته زیر تقسیم می کنند:

1) استدلال قیاسی که در آن مقدمات، ضرورتاً نتیجه را در پی دارند.

2) استدلال استقرایی که در آن مقدمات، از نتیجه حمایت نسبی می کنند.

اکنون به استدلال های استقرائی زیر توجه کنید:

1- گوشی تلفن جدیدی که به بازار آمده است، ظاهری شبیه گوشی من دارد؛ بنابراین باید امکانات و برنامه های آن نیز با گوشی من یکسان باشد.

2- هر بار که از این نوع پارچه استفاده می کنم، چرخ خیاطی من درست کار نمی کند؛ بنابراین چرخ خیاطی من نمی تواند با این نوع پارچه کار کند.

3- در این موقع از روز، چراغ خودروهایی که در این جاده کوهستانی از طرف مقابل می آیند روشن است؛ بنابراین احتمالاً در جلوی ما تونل وجود دارد.

نتیجه تمامی این استدلال ها قطعی نیست، اما در آنها از سه نوع استقرای متفاوت استفاده شده است.

❖ در مورد نخست حکم یک نمونه را به دلیل مشابهت ظاهری به مورد دیگر سرایت داده ایم.

❖ در مورد دوم با بررسی چند نمونه پارچه، حکم خود را به نوعی پارچه تعمیم داده ایم.

❖ در مورد سوم با دیدن روشن بودن چراغ خودروها در روز و کوهستانی بودن جاده، با بررسی احتمالات مختلف، بهترین تبیین این پدیده بیان شده است.

اقسام استقرا:

- 1- استقرای تمثیلی 2- استقرای تعمیمی 3- استنتاج بهترین تبیین

1- استقرای تمثیلی:

- ❖ تمثیلی یکی از روشها در توضیح و فهم مطالب است.
- ❖ در علوم مختلف از مشابهت میان پدیده های مختلف برای توضیح بهتر مطالب استفاده می کنند.
- ❖ در ادبیات: تمثیل در ادبیات همان تشبیه است. آثار ادبی همچون کلیله و دمنه، مرزبان نامه و منظو الطیر آکنده از داستانهای تمثیلی هستند
- ❖ در روان شناسی: بسیاری از مشاوران و روانشناسان براد بهتر بیان کردن نظر خود، داستان مراجعه کننده دیگری برایتان نقل می کنند که مشکل مشابهی داشته است. و با به کار بستن راه حل آن مشاور توانسته است مشکل خود را حل کند.
- در صنایع هوایی: خلبانها مراحل از تمرینات خود را در دستگاه های شبیه ساز پرواز، انجام می دهند.

❖ **استقرای تمثیلی استدلالی است که برای رسیدن به نتیجه از تمثیل استفاده می کند.**

اکنون استدلال های زیر را که از تمثیل استفاده کرده اند، بخوانید و میزان قوت و ضعف آنها را مشخص کنید:
چون با خودروی شخصی به راحتی رانندگی می کنم، پس می توانم با کامیون هم به راحتی رانندگی کنم.

دل درد امروز خیلی شبیه علائم بیماری پسرعمویم است؛ بنابراین بهتر است من هم داروهای او را مصرف کنم.

در این دو مثال بخوبی مشخص می شود که استدلال تمثیلی استدلالی ضعیف است و نتایج آن احتمالی است. چرا که به صرف مشابهت ظاهری میان دو امر جزئی نمی توان احکام یکی را بردیگری تسری داد. هرچه وجوه مشابهت میان دو امر بیشتر باشد، استقرای تمثیلی قوی تر است؛ اما نتیجه آن قطعی نیست. استقرای تمثیلی می تواند منجر به مغالطه شود که آن را «مغالطه تمثیل ناروا» می نامند.

به عنوان مثال برخی از شرکت ها نام یا نشانه ای مشابه شرکتی معتبر انتخاب می کنند تا افراد گمان کنند که تولیدات آنها نیز از نظر کیفیت مشابه آن شرکت معتبر است. معمولاً هنگامی که نام شیرینی فروشی یا سوغات محلی در یکی از شهرها معروف می شود، سایر شرکت ها از نام آنها استفاده می کنند یا نامی مشابه آنها درست می کنند.

آیا می توانید تعدادی از این موارد را نام ببرید؟ مثل برنامه 90 وقتی معروف شد خیلی ها به نام آن سوپر مارکت و.... بازگشایی کردند.

یا شرکت BMW با شرکت BMV

برای مقابله با مغالطه تمثیل ناروا، می توان از دو روش استفاده کرد:

1- **توجه به وجوه اختلاف:** به عنوان مثال اگر کسی بگوید: «کتابهای قدیمی مانند کالای خوراکی هستند تاریخ مصرف آن ها گذشته است؛ بنابراین قابل استفاده نیستند» می توانیم بگوییم: ما داریم درباره کتاب صحبت می کنیم که محصول تفکر بشر است نه درباره مواد خوراکی. سپس به برخی از جنبه های اختلاف میان دو اشاره کنیم و بگوییم: برخی از کتابهای قدیمی جزو میراث فکری بشرند و مطالب آن ها هنوز صحیح هستند.

2- یافتن استدلال تمثیلی مخالف: راه دیگر مقابله با استدلال تمثیلی غلط، یافتن تمثیلی مخالف است؛ مثلا در رد استدلال فوق م توان گفت: خیر، کتاب های قدیمی مانند اشیای قدیمی ارزشمندی هستند باید به دقت از آن ها نگهداری کرد.

تمرین!

درباره سوالات مطرح شده در مورد دو استدلال تمثیلی زیر با دوستان خود بحث کنید:

تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است

گرچه پاکی تو را پلید کند

با بدان کم نشین که صحبت بد

پاره ای ابر ناپدید کند

آفتاب ارچه روشن است او را

1- آیا این دو استدلال درباره نقش تربیت در افراد، مخالف یکدیگرند یا می توان به نحوی آنها را با یکدیگر جمع کرد؟

آری درباره نقش تربیت، تمثیل متفاوت بکار برده شده است. تربیت اول نقش تربیت را نادیده گرفته شده است (تربیت مهم و تاثیرپذیر نیست) اما در دو بیت دیگر بر نقش تربیت تاکید دارد. اما از سوی دیگر، نتایج این دو استدلال را به نحوی می توان با هم جمع کرد. بدین ترتیب که استدلال اول درباره نااهلان است و نمی گوید که تربیت بر همه انسان ها تاثیر ندارد؛ اما استدلال دوم مربوط به همه انسان هاست و نقش همنشین بد را یادآورد می کند.

2- این استدلال ها تا چه میزان قوی اند؟ هر دو تمثیلی اند و استدلال هایی ضعیف به شمار می آیند.

«درس ششم»

جملات زیر را بخوانید و سپس عبارات داده شده را تکمیل کنید.

1- آب از ترکیب هیدروژن و اکسیژن با یکدیگر پدید می آید.

2- امروز بعد از ظهر به من زنگ بزن.

3- اجسام فلزی گرما را منتقل نمی کنند.

4- آیا تاکنون از موزه دیدن کرده اید؟

• **جملات انشایی:** خبری از عالم خارج نمی دهند؛ بلکه تمایلات، احساسات، خواسته ها و اموری این دست را مطرح می کنند. مانند: مثال 4 و 2

• **جملات خبری:** درباره عالم خارج خبر می دهند؛ مانند: مثال 1 و 3

• **جملات خبری صادق:** با واقعیت مطابقت دارند؛ مانند: مثال 1

• **جملات خبری کاذب:** با واقعیت مطابقت ندارند؛ مانند: مثال 3

❖ **تنها جملات خبری اند که قابلیت صادق یا کاذب بودن را دارند.**

❖ **از آنجا که وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه است و جملات انشایی (مانند:**

جملات امری، پرسشی) را نمی توان صادق یا کاذب دانست، این دسته از جملات

در منطق بررسی نمی شوند.

❖ **تعریف قضیه:** به جملات با معنایی که درباره چیزی خبر می دهند و می توانیم درباره صدق

(درستی) یا کذب (نادرستی) آنها سخن بگوییم قضیه می گویند.

تمرین!

1- کدامیک از جملات زیر در منطق قضیه نامیده می شوند؟

(الف) که گفتت برو دست رستم ببند؟ بدلیل سوالی بودن انشایی است و انشایی قضیه محسوب نمی شود.

(ب) دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد.

بدلیل امری بودن انشایی است و انشایی قضیه محسوب نمی شود.

(ج) اگر ماشین را بیمه کنی، هنگام تصادف خیالت آسوده است. قضیه است چون قابل صدق و کذب است.

(د) هر چیز به جای خویش نیکوست. قضیه است چون قابل صدق و کذب و است.

2- در زبان فارسی چه کلمات دیگری را معادل صادق و کاذب به کار می بریم؟

صادق: درست - صحیح کاذب: نادرست - غلط

انقسام قضیه:

قضیه حمله:

قضیه ای که در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای حکم شود. هر تلاشگری موفق می شود.

قضیه شرطی:

قضیه ای که در آن به اتصال یا انفصال میان دو نسبت حکم شود: اگر تلاش کنی موفق می شوی.

قضیه حمله:

- قضایای حمله همان جملات خبری در ادبیات اند.
- در منطق به نهاد جمله «موضوع»، به مسند آن «محمول» و به فعل ربطی (اسنادی) رابطه می گویند.

ایران	پهناور	است	
(اجزای قضیه در ادبیات)	نهاد	مسند	فعل ربطی
(اجزای قضیه در منطق)	موضوع	محمول	رابطه (نسبت)

- ❖ در صورتی که رابطه قضیه ایجابی باشد (مانند: است) قضیه را موجه می نامند. (فعل مثبت)
- ❖ در صورتی که رابطه قضیه سلبی باشد (مانند: نیست) قضیه را سالبه می نامند. (فعل منفی) رابطه ایجابی و سلبی را «کیفیت قضیه» می نامند.

تمرین!

1- موضوع، محمول و رابطه قضایای زیر را مشخص کنید:

رابطه	محمول	موضوع	
است	برنده خانه دل	سیل غمت	سیل غمت خانه دل را ببرد.
است	تکالیف را تحویل داده	او	او تکالیفش را تحویل داد.
شدند	مریض	دانش آموزان	دانش آموزان مریض شدند.
هستند	ارزشمند	کتابها	کتاب ها ارزشمند هستند.

2- قضایای سالبه و موجه را مشخص کنید.

دشمن نادان است (موجه) نادان دانا نیست (سالبه) نادان ناتوان است (موجه)

انقسام قضیه حملی:

• قضیه شخصی:

موضوع قضیه، جزئی باشد.

(نشانه آن: اسم خاص اول جمله مانند اسم انسان، اسم شهر، اسم کشور و ... - اسم داخل « » - این و آن)

• قضیه محصوره:

موضوع قضیه، کلی باشد. (نشانه آن: هر، همه، هیچ، بعضی، برخی اول جمله)

تعریف سور:

قیدی که بر سر قضیه می آید و دامنه مصادیق موضوع را تعیین می کند.

سور کلی (همه، هر - هیچ) سور جزئی (بعضی، برخی، پاره ای)

تعریف قضیه شرطی منفصل :

به گسستگی، انفصال و عناد (یعنی ناسازگاری) دو یا چند نسبت حکم شده است .

اقسام شرطی منفصل:

منفصل حقیقی : هر دو همزمان نمی توانند صادق یا کاذب باشند. (انفصال تام و حقیقی)

منفصل مانع الجمع : در صدق قابل جمع نیستند اما در کذب قابل جمع هستند. (غیرقابل جمع در صدق)

منفصل مانع الرفع : در کذب قابل جمع نیستند اما در صدق قابل جمع هستند. (غیرقابل جمع در کذب)

روش تشخیص اقسام شرطی منفصل در مثال

الف یا ب (نه هر دو و نه هیچ کدام)	منفصل حقیقی	حتما یکی از آنهاست
الف یا ب (نه هر دو و شاید هیچ کدام)	منفصل مانع الجمع	احتمال دیگری هست
الف یا ب (نه هیچ کدام و شاید هر دو)	منفصل مانع الرفع	هر دو با هم ممکن است

برای تشخیص اقسام قضایای شرطی منفصل از یکدیگر، دو سؤال زیر را در نظر می گیریم:

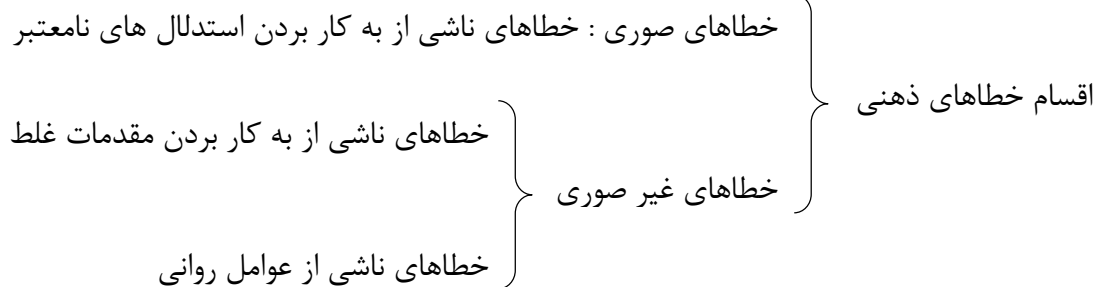
1 آیا امکان دارد دو جزء قضیه منفصل با هم صادق باشند؟

2 آیا امکان دارد دو جزء قضیه منفصل با هم کاذب باشند؟

اگر جواب به هر دو سؤال منفی باشد، قضیه حقیقی است. اگر فقط جواب سؤال اول منفی باشد، قضیه غیرقابل جمع در

صدق است و اگر فقط جواب سؤال دوم منفی باشد . قضیه غیرقابل جمع در کذب است .

درس دهم : سنجشگری در تفکر



- تفکر نقادانه یا سنجشگرانه، فراگیری مهارت تفکر و تفکر کردن درباره نحوه صحیح تفکر است
- پرورش مهارت های تفکر صحیح و ارزیابی استدلال ها مانند اکثر فعالیت های انسانی نیازمند تمرین و تکرار است.

• تفاوت مهم میان متفکر نقاد و غیرنقاد:

- ✓ جدی گرفتن فرایند تفکر و توجه آگاهانه به آن
- ✓ پرسیدن سؤالات درست و به جا
- ✓ بررسی وجوه مختلف یک مطلب هنگام شنیدن یا تصمیم گیری درباره آن

• کاربردهای استدلال

1- درک حقیقت:

در علوم تجربی و علوم انسانی در پی فهم حقایق علمی هستیم. به استدلال هایی که در این علوم به کار می روند برهان می گویند

2- اقناع دیگران:

- گاهی در زندگی در پی قانع کردن دیگران هستیم. به عنوان مثال در یک سخنرانی، مانند سخنرانی مذهبی یا در میان تجمعی اعتراضی، سخنران به دنبال اینان افراد براد انجام دادن عملی یا پذیرش مطلبی است .
- در گذشته چنین استدلال هایی را در فن خطابه بررسی می کردند. اما امروزه رسیدن به چنین هدفی، علاوه بر خطابه، شامل تمامی روش های اقناعی می شود که برخی از آنها در تبلیغات نیز به کار می روند.
- در فن بیان به سخنرانان آموزش داده می شود که چگونه با بریرارد تماس چشمی با شنوندگان، روان و شیوا سخن گفتن و استفاده مناسب از زبان بدن، تأثیر کلامی قوی تر و زبانی اثرگذارتر داشته باشند.

3- غلبه بر دیگران:

- ❖ گاهی در بحث با دیگران تنها در پی غلبه بر آنها هستیم. به عنوان مثال در جریان یک مناظره تلویزیونی، طرفین در پی اقناع یکدیگر نیستند؛ بلکه هدف آنها شکست دادن طرف مقابل است.
- ❖ هدف آنها بیان استدلال هایی است که در مقابل آنها، طرف مقابل حرفی برای گفتن نداشته باشد و مجبور به پذیرش نتایج آنها و یا اعتراف به شکست شود. کسانی که شاهد این مناظره اند، به فرد پیروز گرایش پیدا می کنند.
- ❖ در گذشته این گونه استدلال ها را در فن جدل بررسی می کردند.
- ❖ بهتر است در جدل به گونه ای مقدمات خود را مطرح کنیم که طرف مقابل نتواند نتیجه مورد نظر ما را زودتر حدس بزند؛ و ناگهان با طرح نتیجه مورد نظرمان وی را غافلگیر کنیم .
- ❖ بهتر است مرحله به مرحله از وی نسبت به پذیرش سخنانمان اعتراف بگیریم تا نتواند سخنان خود را تغییر دهد .

بار ارزشی کلمات در جملات:

- **بار ارزشی مثبت** : کلمات یا جملاتی که خوب ، محترمانه ، مورد پسند ، مودبانه و مثبت است.
- **بار ارزشی منفی** : کلمات یا جملاتی که بد و زشت ، نکوهش شده ، بی ادبانه و منفی است.
- **بار ارزشی خنثی** : کلمات یا جملاتی که فاقد دو ویژگی مثبت و منفی است .
بار ارزشی مثبت : محسن حججی در راه دفاع از حرم اهل بیت (ع) شهید شد .
بار ارزشی منفی: درحمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعداد زیادی از تروریست های داعش به هلاکت رسیدند .
بار ارزشی خنثی: در تصادف دیروز، همه افراد مردند.
- **مغالطه بار ارزشی کلمات**: بکاربردن اشتباهی یا عمدی کلماتی که دارای بار ارزشی متفاوتی هستند و می-تواند منشأ خطای اندیشه باشد.

- ✓ من در اعتقادات خود ثابت قدم و استوار هستم . بار ارزشی مثبت
- ✓ شما نسبت به پیشفرض های خود لجاجت و تعصب می ورزید. بار ارزشی منفی
- ✓ او در موضع گیردهاد خود یک دنده و کله شق است. بار ارزشی منفی

مغالطه در اثر عوامل روانی:

- متأسفانه بسیاری از انسان ها بیشتر تحت تأثیر عوامل روانی همچون تملق، ترس، تطمیع و مانند آن قرار می گیرند تا تحت تأثیر استدلال
- لازم است به تأثیر عوامل روانی بر ذهن انسان و خطاهایی که ممکن است تحت تأثیر این عوام پدید بیایند، توجه کنیم
- کلمات، دارای بار روانی اند و قدرت تأثیرگذاری متفاوتی دارند .
- نسبت گوینده با ما نیز در پذیرش یک نظر مؤثر است .به عنوان مثال سخنان خویشاوندان و دوستان صمیمی، از نظر روانی تأثیر بیشتری بر ما دارند
- در طول زندگی جملات مختلف در زرق و برق های احساسی و روانی پیچیده و سپس به ما عرضه می شوند. انسان اندیشمند باید بتواند مطلب اهلی را از لابه لای امور فرعی بیرون بکشد به دور از احساسات، درباره آن قضاوت کند
- تأثیر امور روانی به حدی است که در مواردی برای مطالب غلط دلیل تراشی می کنیم .
- کنون به چند مورد از شیوه هایی که از نظر روانی قصد تأثیرگذاری غلط بر انسان را دارند توجه کنید :

1) مغالطه مسموم کردن چاه

- در این روش فرد مغالطه گر بدون ذکر دلیل ، تنها ویژگی های ناشایست و نامناسبی را به یک نظریه یا پیروان آن نسبت می دهد تا کسی جرئت نکند به آن نظر توجه کند یا آن را بپذیرد .
- مثال 1: شخصی بدون آنکه استدلال معتبری ارائه کند، می گوید: تنها یک ترسو می تواند به این نظر معتقد باشد !
- مثال 2: شخصی تحت تأثیر چشم و هم چشمی های غلط در جامعه می گوید: باید هر جور شده هدیه گران قیمتی تهیه کنیم؛ وگرنه آبرویمان می رود!

2) مغالطه تله گذاری

- در این روش برخلاف مغالطه مسموم کردن چاه، ویژگی های خوب و شایسته ای را به نظریه ای باطل یا معتقدان به آن نسبت می دهند و برای افراد تله می گذارند تا به سمت پذیرش آن گرایش پیدا کنند. در اصطلاح عامیانه به این روش «هندوانه زیر بغ کسی گذاشتن» می گویند .
- مثال: شخصی بدون ذکر دلایل کارآمد بودن طرح خود می گوید: هرکس درک عمیقی داشته باشد، تأیید می کند که طرح من بسیار کارآمد است